

تحلیل آراء و اندیشه‌های آیت الله سید محمد حسینی بهشتی در حوزه حقوق عمومی و تاثیر آن  
بر شکل‌گیری و تفسیر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران  
یاسر پرورش<sup>۱</sup> - یاسر روستایی حسین آبادی<sup>۲</sup> - احمد رنجبر<sup>۳</sup>  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۱۶

**چکیده:**

قانون اساسی نماد تفکر یک جامعه و ریشه در دیدگاه‌های نخبگان مورد قبول جامعه دارد. این یعنی اینکه افرادی مطلع و اثرگذار در افکار عمومی، شیوه‌هایی را پیشنهاد و به تصویب عموم می‌رسانند که روابط و ضوابط مشخصی در جامعه حاکم شود. شهید بهشتی یکی از نخبگان مورد قبول موافقان و مخالفان مکتبی و نظری خود، چه در زمان حیات و حتی پس از آن بوده است. از این رو اثرگذاری بسیاری در تدوین اصول قوانین اساسی داشته است. از طرفی منطق و استدلال ایشان در مواجهه با مباحث مورد اختلاف، موجب گردیده تا اثری مثبت بر روند قانونگذاری بر اساس اصول انسانی و اسلامی داشته باشد. از این رو ایشان یکی از پدران قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این مقاله به بحث در نوع اثرگذاری و چالش‌های حقوقی مطرح شده در تصویب اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، با تأکید بر نقش شهید بهشتی پرداخته شده است.

**واژگان کلیدی:** قانون اساسی، تفسیر قانون، پدران بنیانگذار، شهید بهشتی

---

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری، حقوق عمومی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران  
spss.computer2010@gmail.com

<sup>۲</sup> - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق عمومی، واحد میناب، دانشگاه آزاد اسلامی، میناب، ایران: نویسنده مسئول  
yaserstayi4520@iran.ir

<sup>۳</sup> - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران  
ahmadranjbar@iran.ir

## مقدمه

فکر تدوین قانون اساسی، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و به هنگام اقامت امام خمینی (ره) در پاریس به وجود آمد. پیش‌نویس اولیه در همان جا تهیه گردید و پس از آن، در ایران، مورد بررسی‌های متعدد قرار گرفت. امام خمینی (ره)، در بدو ورود به ایران، تشکیل «مجلس مؤسسان» را به مردم وعده داد. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۵۳) ۲۸ مرداد ماه ۱۳۵۷، روزی بود که «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی» (خبرگان) با پیام امام خمینی (ره) به بررسی لایحه پیش‌نویس قانون اساسی پرداخت. این مجلس متشکل از ۷۳ نفر از متخصصین و شخصیت‌های ملی و اسلامی و اقلیت‌های دینی بود. به موجب ماده ۱۴ آئین‌نامه داخلی، در اولین جلسه مجلس، پیش‌نویس قانون اساسی، مشتمل بر ۱۵۱ اصل، توسط نخست‌وزیر تقدیم رئیس مجلس شد. «مجلس بررسی نهایی قانون اساسی» طی ۶۷ جلسه، بررسی و تصویب اصول قانون اساسی را انجام داد و در نهایت بر اساس لایحه قانونی مصوب ۱۳۵۸/۸/۲۰ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، قانون اساسی در روزهای ۱۱ و ۱۲ آذر ماه ۱۳۵۸ به همه پرس‌گذاشته شد و با اکثریت آراء به تصویب نهایی ملت ایران رسید. (اکبرزاده، ۱۳۸۰: ۳۸؛ بوشهری، ۱۳۷۶: ۶۸)

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، بزرگ‌ترین تحول سیاسی و اجتماعی یک قرن اخیر ایران محسوب می‌شود. این انقلاب با افراد و شخصیت‌های بزرگی قرین بوده که نقش اساسی در شکل‌گیری، هدایت، مدیریت و رهبری این امر داشته‌اند. از مهمترین این افراد می‌توان به سید محمد حسینی بهشتی اشاره کرد. می‌توان وی را یکی از برجسته‌ترین معماران بزرگ تجدید بنای تفکر انقلابی و تشکیلاتی انقلاب اسلامی ایران به شمار آورد. ایشان به مدد تدبیر و مدیریت کارآمد خود بسیاری از تنگناها، مشکلات و موانع پیش‌روی انقلاب را رفع نمود. بهشتی به عنوان نایب رئیس مدیریت جلسات مجلس خبرگان قانون اساسی را بر عهده داشت. بسیاری از مطالب و موضوع‌های پرداخته شده در قانون اساسی، مستقیم و غیرمستقیم متأثر از دیدگاه‌ها و نظرات وی است. به عبارت دیگر آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره مردم، حکومت، آزادی و ... قید شده است، تأثیرپذیری قابل توجهی از نظریات بهشتی داشته است.

آیت الله بهشتی در مبارزات قبل از انقلاب اسلامی نقش فعالی داشت و بارها به دلایل مختلف از جمله اقدام علیه امنیت ملی بازداشت شد. در جریان انقلاب اسلامی رابط میان سفارت آمریکا و انقلابیون مذهبی بود. پس از انقلاب مسئولیت‌های مختلفی از جمله دبیر شورای انقلاب (سال ۵۷) نایب رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی (سال ۵۸) و ریاست دیوانعالی کشور (از سال

۵۸ تا زمان ترور)، عضو شورای موقت ریاست جمهوری (سال ۶۰) را بر عهده داشت و از موسسان حزب جمهوری اسلامی بود. آنچه در این پژوهش مورد توجه است نوع مدیریت ایشان در جریان مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی است. (گرگی ازندریانی، ۱۳۸۸) در آن زمان مجلس خبرگان قانون اساسی یک سازمان ناآرام بود چرا که از اعضای مختلف با دیدگاه‌های کاملاً متفاوت متشکل شده بود مذهبیون، ملی‌گراها، اقلیت‌های مذهبی و... با دیدگاه‌های مختلف سیاسی، مذهبی و این مجلس به محل تلاقی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی در خصوص قانون اساسی تبدیل شده بود از سوی دیگر فضای جامعه بالاخص جامعه جوان و دانشگاهی و سیاسی کشور نیز بسیار ناآرام بود و احزاب و گروه‌های مختلف دیدگاه‌های موافق، مخالف، پیشنهادی و انتقادی خود را نسبت به قانون اساسی ابراز می‌نمودند و این موضوع نحوه عملکرد و مخصوصاً مدیریت مجلس خبرگان را بسیار مهم و حساس نموده بود بنابراین هرگونه اظهار نظری از طرف نمایندگان و مخصوصاً مدیریت مجلس به شدت رصد می‌شد. در این میان آیت‌الله بهشتی با اخلاق و عملکرد خاص خود در این زمینه تاثیر بسزایی بر جای گذاشت.

### تفسیر قانون اساسی

در معنای حقوقی تفسیر می‌توان گفت: «تفسیر عبارت است از پرده برداشتن از مقصود قانون‌گذار». برای این کار، مفسر از اصول منطقی، مقررات و قواعد ادبی، سوابق تاریخی و نیز مذاکرات قانون‌گذار استفاده می‌کند. تفسیر انواعی دارد که از جمله، تقسیم آن به اعتبار مقام و موقعیت تفسیر کننده است. تفسیر به این اعتبار به «قضایی»، «علمی» و «رسمی» تقسیم می‌شود. مقصود از «تفسیر علمی» که گاه از آن به «تفسیر حقوقی» تعبیر می‌شود تفسیری است که اساتید دانشگاه، صاحب‌نظران و نویسندگان حقوقی از مواد قانون ارائه می‌کنند. اشخاص مذکور در اثر ممارست با قوانین و آگاهی نسبت به آن، برداشت‌های خود از قوانین را به صورت مستدل بیان می‌کنند یا در آثار مکتوب خود می‌نویسند. از آنجا که اشخاص فوق هیچ مقام و موقعیت رسمی ندارند، لذا تفسیری که آنان ارائه می‌کنند، «تفسیر شخصی» نیز نامیده می‌شود. این‌گونه تفسیرها فقط کاربرد و ثمره علمی دارد و فایده عملی و اعتبار قانونی ندارد. البته بدیهی است که قضات محاکم و مراجع رسمی، متأثر از تفسیرهای علمی هستند و در تصمیم‌گیری نهایی از دیدگاه‌های دانشمندان علم حقوق نیز بهره‌برداری می‌کنند. قانون اساسی یا اساسنامه عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. قانون

اساسی تعریف‌کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه، و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور، و تعیین و تضمین‌کننده حقوق شهروندان کشور است. هیچ قانونی نباید با قانون اساسی مغایرت داشته باشد. به عبارت دیگر، قانون اساسی قانون تعیین‌کننده نظام حاکم است، قانونی که مشخص می‌کند قدرت در کجا متمرکز است، روابط این قدرت حاکم با آزادی‌ها و حقوق افراد ملت چگونه است و این قوای حاکمه اعم از قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه چه اقتدارات و مسئولیت‌هایی در برابر ملت دارند. علاوه بر این، قانون اساسی مضامینی مانند پرچم ملی، سرود ملی، نشان ملی، پایتخت کشور و اصول حاکم بر سیاست‌های اقتصادی، برنامه‌های فرهنگی و روابط خارجی کشور را مورد توجه قرار می‌دهد. تفسیر قانون اساسی اگر چه از نظریه کلی تفسیر قانون مستثنا نیست، اما به دلیل هم‌سنگی با متن قانون اساسی و همبستگی با مسائل سیاسی، اجتماعی از پویایی و برجستگی خاصی برخوردار است. به سبب اینکه هر مرجعی برای نظارت بر اجرای قانون به ناچار آن را تفسیر می‌کند، در اکثر قریب به اتفاق نظام‌های سیاسی دنیا نظارت بر اجرای قانون اساسی و تفسیر آن به مرجعی واحد سپرده شده است. لازم به ذکر است ماهیت مراجع تفسیر قانون به میزان زیادی بر رویکردها و روش‌هایی که این مراجع برای تفسیر قانون پی می‌گیرند، مؤثر است. در اکثر کتب حقوقی این مراجع به سه دسته قضائی، قانونی و عقاید علمای حقوق تقسیم شده‌اند. (اکبرزاده، ۱۳۸۰: ۵۱)

### تفسیر علمای حقوق (دکترین)

این تفسیر به وسیله اساتید دانشگاه، نویسندگان و محققان علم حقوق صورت می‌گیرد و هرچند تبعیت از آن برای هیچ کس الزامی نیست، عملاً تأثیر بسزایی در شرح و تبیین قانون اساسی دارد. چون علاوه بر اینکه دکترین راهنمای خوبی برای مفسرین قانون اساسی است، می‌تواند زمینه افکار عمومی جامعه و به ویژه فعالان سیاسی را برای پذیرش تفسیری خاص آماده کند و نهایتاً به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر آرای صادره اثر گذارد. برخی منابع از این تفسیر به تفسیر مرجع علمی تعبیر می‌کنند. در اکثر نظام‌های سیاسی دنیا آثار نویسندگان و شخصیت‌های با نفوذ سیاسی و قضایی در این حوزه کماکان دارای اهمیت هستند؛ مثلاً در ایالات متحده مکاتباتی که زمینه تأسیس این نظام را فراهم آورده است و به وسیله پدران قانون اساسی آمریکا مانند جرج واشینگتن و همیلتون صورت گرفته؛ در مجموعه‌ای به نام فدرالیست منتشر شده و همچنان مورد استناد قرار می‌گیرد، اما شاید بهترین نمونه این تأثیر را بتوان

در آثار دایسی یافت که قانون اساسی غیر مدون انگلستان موجب شده تا نوشته‌های او در سطح منابع رسمی مورد توجه قرار گیرد.

### پدران بنیانگذار<sup>۱</sup>

اصطلاح پدران بنیانگذار به گروهی از رهبران سیاسی آمریکا اطلاق می‌شود که یا اعلامیه استقلال ایالات متحده را در سال ۱۷۷۶ میلادی امضاء کردند یا با شرکت در انقلاب آمریکا به کسب استقلال مستعمرات سیزده گانه از بریتانیا یاری رساندند، یا در راستای تدوین و اقتباس چارچوب قانون اساسی آمریکا فعالیت نمودند، یا در تثبیت دولت تعیین شده در قانون اساسی نقش مهمی ایفا کردند. (ریچارد، ۱۷۷۶) همانطور که می‌دانیم «قانون اساسی نشانه پایان یک دوره و آغاز یک دوره دیگر از زندگی سیاسی ملت است. قانون اساسی نشانه این است که ملت، از گذشته می‌گسلد و برای زندگی سیاسی خود طرحی نو می‌افزاید. (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۸) در ادامه توضیحات فوق باید گفت: تدوین قانون اساسی برای اولین بار یا تدوین قانون اساسی جدید، معمولاً در پی تغییر رژیم‌های سیاسی بر اثر انقلاب، جنگ یا عوامل دیگر صورت می‌پذیرد. «قانون اساسی یک میثاق ملی و یک آرمان مشترکی است که همه افراد ملت را به یکدیگر پیوند می‌دهد و میان آنها یک روح همبستگی که لازمه اقتدار ملت است به وجود می‌آورد». (طباطبایی مومنی، ۱۳۸۸: ۱۸۷) این درست است که در تدوین قانون اساسی این موضوعات می‌بایست مورد توجه اساسی قرار گیرد و اصلاً پایه و بنیان قانون اساسی جدید بر همین مبنا بنا نهاده می‌شود اما سوال اصلی اینجاست که وظیفه تدوین قانون اساسی بر عهده چه کسانی است؟ به عبارت دیگر چه افراد یا گروه‌هایی و بر چه اساسی این مأموریت مهم و خطیر را به انجام می‌رسانند؟ آنچه در نهایت به تصویب نهایی ملت می‌رسد چگونه و توسط چه افرادی تدوین می‌گردد؟

### شیوه‌های تدوین قانون اساسی

به طور کلی روش تدوین قانون اساسی مشتمل بر سه نوع: دموکراتیک و غیر دموکراتیک و مختلط می‌باشد.

#### الف- شیوه غیر دموکراتیک

در این روش حاکم یا هیات حاکمه مبادرت به تدوین و تصویب قانون اساسی می‌کند و این

1. Founding fathers

شیوه از سه راه انجام می‌پذیرد: ۱- فرمان مشروطیت ۲- پلبیسیت مؤسس ۳- مراجعه به مردم  
۱- فرمان مشروطیت

در کشورهای که رژیم سلطنتی یا پادشاهی حاکم است، خودکامگی وجود داشته و همه قدرت متعلق به شخص اول مملکت یعنی پادشاه می‌باشد. طبیعی است در چنین حکومتی تصدی قوه موسس نیز بر عهده شاه باشد. وی با اعطای فرمان مشروطیت قانون اساسی را تصویب و به روشی اقتدارگرایانه به ملت اعطاء یا به عبارت بهتر تحمیل می‌کند. فرمان مشروطیت ممکن است داوطلبانه یا از طریق فشار آحاد مردم جامعه صادر شود. با صدور این فرمان شکل حکومت از پادشاهی مطلق به پادشاهی محدود یا مشروطه سلطنتی تغییر می‌کند. در واقع در این روش که دیگر متداول نیست «شخص شاه با ابزار قوه موسس خود و در عین دارا بودن قدرت مطلق، با عملی یکجانبه، مبادرت به تدوین و تصویب قانون اساسی می‌نماید، در این بین، گاه وی نمایندگان ملت یا اشراف جامعه را به همکاری می‌طلبد، با این وجود نمی‌توان گفت که این امر به معنی چشم پوشی پادشاه از قدرت موسس خود یا شناسایی این قدرت برای مردم است». (باقری، ۱۳۸۸: ۲۹)<sup>۱</sup>

## ۲- پلبیسیت موسس

روشی که در آن حاکمان برای دریافت نظر مردم و در واقع حمایت آنها با تصمیمات اتخاذ شده خود از طریق مراجعه به آراء عمومی انجام می‌شود. «در این روش قوه مجریه، قانون اساسی را به نگارش در آورده، سپس آن را به تصویب مردم می‌رساند. این شگرد به ویژه پس از یک کودتا علیه قوه مقننه پدیدار می‌شود. در این صورت، شخص دیکتاتور، میخواهد در فضایی که آزادی‌ها محدود گردیده، مخالفان حذف و همه امکانات قدرت به سود او بسیج شده‌اند، علیه نمایندگان ملت به رای مردم تکیه کند». (عباسی، ۱۳۸۳: ۵۴) «این شکل از همه پرسی، در غالب مواقع، به جای اینکه برای تقویت و تشدید دموکراسی باشد، به منظور تحکیم موقع زمامداران و رهبران، به ویژه رئیس مملکت به کار می‌رود و چون در تاریخ دیده شده است که از آن به سود رؤسا و به زیان نهادهای دموکراتیک سو استفاده شده است، چندان مورد موافقت حقوقدانان نیست، زیرا به جای اینکه ابزار دموکراسی شود، وسیله دیکتاتوری واقع می‌گردد». (قاضی، ۱۳۷۳: ۳۷۳)

۱- بخشی از نظریه قانون اساسی کارل اشمیت (Carl Schmitt) حقوقدان، فیلسوف و نظریه پرداز سیاسی آلمانی.

### ۳- مراجعه به مردم

در این روش ابتدا پیش نویس قانون اساسی توسط مقامات دولتی یا حزب حاکم تهیه می‌شود سپس در اختیار مردم قرار گرفته تا مورد بحث و مذاکره تحلیل قرار گیرد. در این بین دانشگاه‌ها موسسه‌ها، احزاب، رسانه‌های گروهی همچون مطبوعات، رادیو، تلویزیون و ... نقش اساسی دارند، آنچه به عنوان اصلاحات توسط مردم مطرح می‌شود در مجلس موسسان که اعضای آن منصوب دولت می‌باشند مورد بررسی و مذاکره قرار می‌گیرد و مجلس موسسان در تایید یا رد اصلاحات پیشنهادی مختار است. پر واضح است این روش نیز غیر دموکراتیک می‌باشد. اینکه پیش نویس قانون اساسی توسط مقامات دولتی یا حزب حاکم تهیه شود خود دلیل محکمی بر این ادعاست. دیگر اینکه هیچ راهکار منظم و منسجمی برای بحث‌ها و مذكرات و در نهایت اعمال نظریات و دیدگاه‌های مردم وجود ندارد و نکته آخر اینکه مجلس موسسان منصوب از سوی دولت در مورد اصلاحات پیشنهادی مردم نظر نهایی را صادر می‌کند و در رد این اصلاحات پیشنهادی مختار است. و البته در این شیوه که در کشورهای کمونیستی متداول است نباید اصول مارکسیسم توسط مردم مورد خدشه قرار گیرد.

### ب- شیوه‌های دموکراتیک

این شیوه کاملاً بر عکس شیوه غیر دموکراتیک بوده و در آن حق تدوین، تصویب و حتی بازنگری در قانون اساسی به ملت تعلق داشته و مردم این حق را یا به صورت مستقیم از طریق همه پرسی و یا به صورت غیر مستقیم از طریق نمایندگانشان اعمال می‌کنند. بطور کلی دو راه ۱- مجلس موسسان ۲- همه پرسی موسس مربوط به شیوه‌های دموکراتیک می‌شود.

#### ۱- مجلس موسسان

در این شیوه ابتدا اعضای مجلس موسسان با رای مردم انتخاب شده سپس، این نمایندگان درباره اصول و موضوعات قانون اساسی به بحث و مذاکره می‌پردازند. معمولاً از این شیوه، هنگامی که انقلابی در کشور رخ می‌دهد برای تدوین قانون اساسی استفاده می‌شود و پس از هر انقلاب اغلب دولت موقت است که کشور را اداره و تغییر یک قانون اساسی یا یک رژیم سیاسی را به قانون اساسی یا حکومت دیگر تضمین می‌کند. اختیار مراجعه به مردم برای انتخاب اعضای مجلس موسسان نیز با همین دولت است. (عباسی، ۱۳۸۳: ۵۹) مجلس موسسان از لحاظ اختیار در تدوین و تصویب قانون اساسی به دو نوع تقسیم می‌شود:

در نوع اول مجلس موسسان هم در تدوین و هم در تصویب قانون اساسی اختیار تام دارد یعنی هم پیشنهادی قانون اساسی را تدوین می‌کند و هم در همان مجلس درباره آن بحث و مذاکره صورت پذیرفته و آن را تصویب می‌کند. در اینجا تصویب نهایی قانون اساسی با رای مردم نیست اما نوع دوم قدرت مجلس موسسان محدود است و تنها تدوین قانون اساسی را برعهده داشته و تصویب نهایی آن با رای مردم صورت می‌گیرد. این نوع مجلس در دموکراسی‌های نیمه مستقیم وجود دارد.

## ۲- همه‌پرسی موسس یا مجلس موسسان محدود

در این شیوه مردم قانون اساسی را تدوین نمی‌کنند، بلکه همانگونه که پیشتر گفتیم، این امر به عهده مجلس موسسان منتخب مردم است و پس از تدوین قانون اساسی این مردم هستند که از راه همه‌پرسی، حق تصویب یا رد قانون اساسی تدوین شده را دارند. به سخن دیگر، این شیوه مرکب از دو مرحله جداگانه است:

- تدوین متن قانون اساسی توسط یک مجلس موسسان منتخب

- تصویب نهایی متن مدون نمایندگان ملت در مجلس موسسان توسط مردم در یک همه‌پرسی در این روش یکی از مردم سالارترین روش‌های تدوین و تصویب قانون اساسی است زیرا به مردم اجازه می‌دهد:

- به واسطه نمایندگان خود در تدوین قانون اساسی مشارکت کنند.

- پس از دانش و آگاهی نسبت به محتوای قانون اساسی به کمک مذاکرات علنی مجلس موسسان در نهایت به تصویب یا رد قانون اساسی بپردازند. قانون اساسی ۱۳۵۸ جمهوری اسلامی ایران نیز بدین ترتیب تصویب شد. زیرا پس از تدوین متن آن توسط مجلس موسسانی که اعضای آن، بدین منظور انتخاب شده بودند (مجلس خبرگان)، در همه‌پرسی موسس ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به تصویب نهایی مردم ایران نیز رسید. (عباسی، ۱۳۸۳: ۶۲-۶۳)

## پ- شیوه مختلط

این شیوه بیشتر در حکومت‌های مشروطه رایج بوده است و بر اساس آن، قانون اساسی ناشی از توافق میان قوای حاضر در صحنه سیاسی کشور است. (همکاری میان فرد و یک یا چند مجلس قانون‌گذاری). به عبارت دیگر، این شیوه عبارت از قراردادی است دو طرفه میان نمایندگان ملت از یک سو و شاه از سوی دیگر، به منظور خلق یک قانون اساسی، پس، این



قرار داد جز با رضایت دو طرف قابل فسخ نیست. این پیمان یا قانون اساسی توافقی بر خلاف فرمان مشروطیت، تحمیلی و یکجانبه نیست، بلکه به دنبال انقلابی بروز می‌کند که ضمن تایید شاه در عرصه قدرت اختیاراتش را تحدید یا اینکه به علت خالی بون سریر سلطنت، شاه جدیدی تعیین و ملت، شرایطی را برای حکومت و سلطنت مطرح می‌کند. البته اکنون این شیوه کمتر دیده می‌شود و بیشتر جنبه تاریخی دارد. (عباسی، ۱۳۸۳: ۵۷)

### تاثیر پذیری از پدران بنیان‌گذار در تفسیر قانون اساسی

اصطلاح «پدران بنیانگذار» اولین بار در قرن بیستم توسط وارن هاردینگ<sup>۱</sup> در سال ۱۹۱۶ مطرح شد و پیش از آن در قرن نوزدهم از اصطلاح ساده «پدران» استفاده می‌شد. همانطور که اشاره شد این اصطلاح برای توصیف بنیانگذاران است که گروهی از رهبران سیاسی آمریکا بودند و در تدوین و اقتباس چارچوب قانون اساسی آمریکا نقش مهمی ایفا کردند. پدران بنیانگذار آمریکا که مشهورترین آنها هفت نفر به نام‌های: جرج واشینگتن، توماس جفرسون، جان آدامز، بنیامین فرانکلین، جیمز مدیسون، جان جی، الکساندر همیلتون می‌باشند اعلامیه استقلال ایالات متحده را در سال ۱۷۷۶ امضاء کردند و با تشکیل مجمع قانون اساسی در تابستان ۱۷۸۷ در فیلادلفیا که به نام کنوانسیون فیلادلفیا، کنوانسیون فدرال نیز شهرت دارد موجبات تهیه قانون اساسی ایالات متحده در سال ۱۷۸۸ و تصویب آن در سال ۱۷۸۹ را فراهم آوردند. قانون اساسی ایالات متحده یکی از قدیمی ترین قانون‌های اساسی موجود جهان است و حدود ۲۳۰ سال است که همچنان به قوت خود باقی است و به جز اصلاحیه‌هایی که به آن افزوده شده هیچ‌گاه تغییر نکرده است و به عنوان یک میراث ملی در میان مردم آمریکا شناخته می‌شود. روح کلی حاکم بر قانون اساسی ایالات متحده آمریکا بر سه محور اصلی قرار دارد که به عنوان محورهای غیر قابل تغییر محسوب شده و بدین شرح می‌باشند:

- تفکیک قوا در ایالات متحده آمریکا

- نظام انتخاباتی در ایالات متحده آمریکا

- نظام فدرالی ایالات متحده آمریکا

هر یک از این اصول غیر قابل تغییر نیز در آرمان‌ها و اهداف پدران بنیانگذار ایالات متحده ریشه دارد. پدران بنیانگذار تلاش کردند تا سر حد امکان در سند قانون اساسی، نظام حکومتی

1. Warreng G.Harding

جدید را به گونه‌ای طراحی نمایند که از قدرت گرفتن فرد یا گروهی جلوگیری به عمل آورد و اجازه ندهد آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان خدشه‌دار شود. به علاوه حفظ وحدت میان مستعمرات سیزده گانه و نفی سلطه دولت فدرال بر دولت‌های ایالتی نیز یکی دیگر از دغدغه‌های بنیان‌گذاران کشور جدید بود. این موضوعات بخش عمده‌ای از اصول و بندهای سند قانون اساسی را به خود اختصاص داده است که حاصل پیگیری‌ها و تلاش‌های پدران بنیانگذار ایالات متحده می‌باشد. (بوشهری، ۱۳۷۶: ۷۲) در سیستم قضایی آمریکا دیوان عالی بالاترین مرجع رسیدگی به شکایات است و تنها مرجع تفسیر قانون اساسی محسوب می‌شود. آنچه در اینجا اهمیت دارد ذکر شود این است که دیوان عالی در رویه تفسیری خود از قانون اساسی می‌بایست نیت، مقاصد، اهداف و بطور کلی آرمان‌های مد نظر پدران بنیانگذار ایالات متحده را سرلوحه کار خود قرار داده و در تفسیر اصول قانون اساسی از این آرمانها فاصله نگیرد. بدون شک تفسیر درست، صحیح و جامع از اصول قانون اساسی زمانی بطور کامل محقق شده و شکل می‌گیرد که از رویه ذکر شده تخطی صورت نگیرد. مهم این است که بدانیم پدران بنیانگذار نقش مهم و اساسی در تدوین قانون اساسی ایالات متحده داشته‌اند و در گنجاندن هر موضوعی در قانون اساسی نیت و مقصود مشخصی مد نظرشان بوده است؛ بنابراین در تفسیر قانون اساسی این اهداف می‌بایست مد نظر قرار گیرد چرا که فاصله گرفتن از این آرمانها نه تنها باعث می‌شود تفسیر درست و صحیحی از اصول قانون اساسی صورت نگیرد بلکه موجبات ناکار آمدی قانون اساسی را فراهم نموده و نشان دهنده این است که تفاسیر صورت گرفته بیشتر رنگ و بوی سیاسی داشته تا حقوقی. (بوشهری، ۱۳۷۶: ۶۳) هر زمان در هر موضوعی که می‌بایست در خصوص آن اصلی از قانون اساسی مورد تفسیر قرار گیرد، دیوان عالی ایالات متحده می‌بایست در این راستا اقدامات لازم را به انجام رساند. شاید یکی از مهمترین و اصلی‌ترین رموز ماندگاری و تغییر ناپذیری قانون اساسی ایالات متحده در طول زمانی بالغ بر ۲۳۰ سال دقت و توجه کافی به همین نکته باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حاصل تلاشها و افکار حقوقدانان و اندیشمندان در مراحل مختلف تدوین قانون اساسی است. از مرحله تهیه و تدوین پیش نویس تا مرحله عرضه به افکار عمومی، بررسی و نظرهای مراجع حوزه علمیه قم، بررسی و تذکرات رهبر انقلاب اسلامی، بررسی جامعه مدرسان حوزه علمیه قم، بررسی پیشنهادی در شورای انقلاب، بررسی در دولت موقت و در نهایت جلسات متعدد مجلس بررسی نهایی قانون اساسی. یکی از این اندیشمندان تاثیرگذار آیت الله سید محمد حسینی بهشتی

است که دیدگاه‌ها و نظریات وی بالاخص در مجلس خبرگان قانون اساسی که به عنوان نایب رئیس عهده دار مدیریت جلسات آن بود تاثیر بسزایی در تصویب و شکل گیری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشت. شورای نگهبان نیز می‌بایست در رویه تفسیری خود از قانون اساسی، نیات، اهداف، مقاصد و آرمان‌های مدنظر پدران بنیان گذار قانون اساسی را مد نظر قرار داده و تفسیری کاملاً حقوقی (و نه سیاسی) در راستای نیات و مقاصد اصلی بنیانگذاران اصول قانون اساسی ارائه دهد چرا که تفسیر ارائه شده در حکم قانون اساسی بوده و لازم الاجرا است. بنابراین این موضوع از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است که ایده‌آل‌ترین نتیجه آن کارآمدی هر چه بیشتر قانون اساسی و جلوگیری از ایجاد اختلافات ناشی از برداشت‌های متفاوت از قانون اساسی است. مهم این است که شورای نگهبان در تفسیر قانون اساسی به ریشه اصلی تدوین و تصویب اصول قانون اساسی توجه کند تا رسالت و مأموریت اصلی قانون اساسی در کشور اجرا شده و سرانجام مطلوبی بیابد.

### پدران بنیانگذار در ایران

می‌توان قانون اساسی مشروطه را به عنوان اولین قانون اساسی ایران پذیرفت اگر چه به این دلیل که بیشتر به روش عملکردی مجلس شورای ملی و مجلس سنا مربوط می‌شد به نظامنامه شهرت یافت. قانون اساسی ۵۱ ماده‌ای مشروطه مجموعه‌ای از شروطی را شامل می‌شد که به سرعت و بدون دقت و توجه لازم و کافی به نوعی سر هم بندی شده بود. به همین علت و به دلیل عدم پاسخگویی کامل این قانون به نیازهای موجود مملکت هیأتی جدید تشکیل شد تا پیشنویس «متمم قانون اساسی» را تهیه کند که با ۱۰۷ اصل به تصویب مجلس و به امضاء محمد علی شاه رسید. در اینجا قصد بازگویی سیر تاریخی تدوین و تصویب قانون اساسی را نداریم و اگر چه این موضوع بسیار مهم است که چه تلاش‌ها، مراتبها مبارزات و اتفاقاتی منجر به صدور فرمان مشروطه شد که در نهایت حاصل آن تصویب اولین قانون اساسی ایران می‌باشد اما جای بحث آن در این مجال نیست. آنچه در اینجا محل سوال و کنجکاوی است این است که قانون اساسی مشروطه را چه کسانی نوشتند؟ «برای تهیه و تدوین قانون اساسی در مجلس و خارج کشمکش‌هایی که متکی به اصول و منافع طبقاتی بود شروع شد و سه قدرت مختلف المنافع، مستبدین، روحانیون و آزادیخواهان برای تامین مصالح خود به مبارزه

پرداختند. در مورد تدوین کنندگان قانون اساسی متاسفانه به درستی معلوم نیست توسط چه کسانی و از روی چه نمونه ای قانون اساسی تدوین شد». (سفری، ۱۳۷۱: ۱۹۷)

برخی بدون اشاره به فرد خاصی وکلا را مسئول نوشتن قانون اساسی معرفی کرده‌اند. (هدایت، ۱۳۸۹: ۱۴۲) اما احمد کسروی در کتاب **تاریخ مشروطه ایران** صراحتاً از تعدادی از تدوین کنندگان قانون اساسی نامبرده است «گویا مشیر الملک و موتمن الملک پسران صدر اعظم آن را می‌نوشتند، یا بهتر بگوییم ترجمه می‌کردند». (کسروی، ۱۳۹۲: ۱۸۳) فریدون اکبرزاده معتقد است نقش اصلی در تدوین قانون اساسی بر عهده برادران پیرنیا و مؤیدالسلطنه بود که در این دوره با مشروطه خواهان همکاری بسیار نزدیک داشتند. (اکبرزاده، ۱۳۸۰: ۶۳) اما آیا می‌توان از افرادی که نام برده شد به عنوان پدران بنیانگذار قانون اساسی مشروطه نام برد یا خیر؟ این افراد بر چه اساس و بنیانی قانون اساسی مشروطه را تدوین نموده و در واقع پدید آوردند؟ با کمی تحقیق بیشتر به این نتیجه مهم می‌رسیم که این افراد نقش بنیادی و تاثیر- گذاری در متن قانون اساسی مشروطه نداشته‌اند چرا که «قانون اساسی با استفاده از قانون اساسی بلژیک تنظیم شد». (صفایی، ۱۳۸۱: ۲۵۷) ژانت آفاری<sup>۱</sup> پژوهشگر و استاد دانشگاه و از محققان تاریخ اجتماعی ایران در سال‌های انقلاب مشروطه علاوه بر قانون اساسی سال ۱۸۳۱ بلژیک، منشا قانون اساسی مشروطیت ایران را قانون اساسی ۱۸۷۹ بلغارستان نیز می‌داند. البته نظریات دیگری نیز در این خصوص وجود دارد که قانون اساسی مشروطه را نشأت گرفته از قانون اساسی سایر کشورها می‌دانند مثل کشور فرانسه و معتقدند «قانون اساسی به عنوان بنیان نظام مشروطه مستقیماً از اعلامیه حقوق بشر فرانسه و نظام های دموکراتیک- سکولار غرب اخذ شده بود که در آن آزادی‌های فردی، حقوق انسان، مساوات و برابری همه اقشار در برابر قانون، آزادی عقیده، بنیان و قلم و ... به گونه‌ای اساسی تضمین شده بود. قانون اساسی مخلوطی از ترجمه قانون اساسی بلژیک و فرانسه بود (تقی زاده، ۱۳۸۷) بنابراین می‌توان گفت این قانون اساسی نوشتاری نبود بلکه ترجمانی بود از قوانین اساسی سایر کشورهای پیشرو در زمینه حقوق اساسی و در حقیقت کوششی در راستای تدوین یک قانون اساسی منطبق با حقوق طبیعی و فطری و آزادی‌های فردی و اجتماعی ملت ایران صورت نگرفت. پس از آن نیز اقدام سازنده‌ای در این زمینه به انجام نرسید. کمیسیون تکمیل قانون اساسی که تدوین ۱۰۷ اصل تحت عنوان متمم قانون اساسی را برعهده داشت نیز همان مسیری را در پیش گرفت که قبلاً

1 .Janet Afari

برای تدوین قانون اساسی طی شده بود. «اعضای این کمیسیون جواد سعدالدوله، سید حسن تقی زاده، محمود مشاور الملک، محمد حسین امین الضرب، سید نصرالله تقوی و صادق مستشار الدوله بودند. در این کمیسیون که عمر آن دو ماه به طول انجامید متمم قانون اساسی بر مبنای قانون اساسی بلژیک و فرانسه تهیه شد». (نجفی، ۱۳۸۱: ۲۷۳-۲۷۴)

فکر تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قبل از پیروزی انقلاب و به هنگام اقامت امام خمینی در پاریس (۱۳ مهر تا ۱۱ بهمن ۱۳۵۷) به وجود آمد، پیش نویس اولیه در همان جا تهیه گردید و پس از آن در ایران مورد بررسی‌های متعدد قرار گرفت. (هاشمی، ۱۳۸۴: ۵۳) قبل از انقلاب برخی از نزدیکان امام خمینی متنی را به سرپرستی حسن حبیبی در پاریس با موافقت امام تدوین کردند که برگرفته از قانون اساسی مشروطه و قوانین اساسی برخی دیگر از کشورهای جهان بود. «امام خمینی پس از ورود به ایران گروهی از حقوقدانان را مامور تهیه پیش نویس دیگری کردند. به این منظور ناصر کاتوزیان، عبدالکریم لاهیجی، حسن حبیبی، محمد جعفر جعفری لنگرودی، ناصر میناچی و احمد صدر حاج سید جوادی با همراهی رضا زواره‌ای و سید علی خامنه‌ای مسوول شدند». (معین فرد، ۱۳۸۵: ۲۵)

«در پیش نویس قانون اساسی که توسط برخی از صاحب نظران حقوق اساسی و آشنا به مسائل حقوق عمومی و مبانی انقلاب اسلامی تنظیم گردید، تذکر نکات اصلی در حفظ اسلامیت و جمهوریت نظام و نیز تحقق بخشیدن به اهداف و شعارهای مردمی انقلاب، از سوی امام(ره) و رعایت نکات تخصصی و ساختاری قانون اساسی، با الهام از دانش و تجربه جدید و سرانجام، بستن راه‌های بازگشت استبداد و استعمار، شاکله اصلی پیش نویس قانون اساسی را به وجود آورد، در این پیش نویس بیش از هر چیز به آرمان‌های اسلامی و اهداف انقلابی و ساختاری فنی نظام جدید اهمیت داده شده بود». (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۴۲)

پیش‌نویس قانون اساسی در مرحله نهایی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مورد بررسی، رسیدگی نهایی و تصویب قرار گرفت. و متن قانون اساسی مصوب این مجلس در همه پرسه ۱۱ و ۱۲ آذر ماه ۱۳۵۸ به تصویب نهایی ملت ایران رسید. تشکیل «مجلس موسسان» وعده‌ای بود که امام خمینی در بدو ورود به ایران (۱۳۵۷/۱۱/۱۲) به مردم داد، اما پیش‌نویس اولیه قانون اساسی قبل از اینکه در مجلس نهایی قانون اساسی مورد بررسی قرار گیرد در مراحل مختلفی مورد بررسی قرار گرفت و تغییرات و اصلاحاتی در آن ایجاد شد. ابتدا با برپایی سمینارها در مجامع علمی و دانشگاهی، مصاحبه‌های تلویزیونی و جراید و مجلات، متن

پیش‌نویس در مرحله عرضه به افکار عمومی قرار گرفت و در این میان به ویژه صاحب‌نظران، متخصصان و گروه‌های سیاسی به بررسی و اظهارنظر در مسائل اصولی قانون اساسی پرداختند و پیش‌نویس قانون اساسی بدین ترتیب مورد بررسی نقادانه صاحب‌نظران قرار گرفت. در این میان عده‌ای به تدوین طرح‌های پیشنهادی همت گماشتند و چندین متن مشابه پیش‌نویس را ارائه دادند و برخی از مراجع تقلید آن زمان، دیدگاه‌های خود را در قالب یک متن کامل قانون اساسی منتشر کردند و اهم مسائل مورد نظر خود را در لابه لای این متن ابراز نمودند. (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۴۲) در مرحله بعد علمای حوزه علمیه قم و مراجع عظام نیز دیدگاه‌های اصلاحی خود را به شیوه‌های مختلف ابراز کردند. همانطور که قبلاً توضیح داده شد امام خمینی (ره) نیز تذکراتی را در حاشیه پیش‌نویس قانون اساسی اضافه نموده و نکاتی را مورد تأکید و تذکر قرار دادند. در مرحله‌ای دیگر پیش‌نویس مورد بررسی جامعه مدرسان حوزه علمیه قم قرار گرفت.

طبق فرمان امام خمینی دولت موقت وظیفه پیگیری تدوین و تصویب قانون اساسی را بر عهده داشت بنابراین پیش‌نویس قانون اساسی را در قالب یک لایحه تنظیم و تقدیم مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نمود. «در این بررسی نکاتی مورد تجدید نظر و مواردی از پیش‌نویس مورد اصلاح قرار گرفت، به طوری که لایحه تقدیمی دولت موقت با پیش‌نویس اولیه قانون اساسی تفاوت‌های بسیار داشت و دولت، با گرایش سیاسی خاصی که داشت در متن آن اعمال نظر نمود و اصولی را کمرنگ و اصول دیگری را پررنگ‌تر کرد و در خصوص اصل ولایت فقیه چندان تمایلی از خود نشان نداد و به رابطه اصولی اسلامیت و جمهوریت نظام و راهکارهای اجرایی آن توجه کافی ننمود». (همان: ۴۷) نکته‌ای که در خصوص مجلس بررسی نهایی قانون اساسی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد این است که «در نام قانونی این مجلس، عبارت بررسی نهایی گنجانده شده بود تا مبین این حقیقت باشد که پیش‌نویس قانون اساسی قبل از این مجلس بارها مورد بررسی قرار گرفته و درباره محتوای آن نقد و نظرها صورت گرفته است. (بوشهری، ۱۳۷۶: ۹۲) نام مشهور آنکه «خبرگان قانون اساسی» بود؛ بر گرفته از یک قاعده فقهی بود که در تشخیص مسائل تخصصی باید به خبره آن مراجعه کرد. بدین ترتیب، نمایندگان ملت که برای بررسی قانون اساسی انتخاب شده بودند خبرگان قانون اساسی نامیده شدند». (عمید زنجانی، ۱۳۸۷: ۴۷-۴۸) با توضیحات فوق روشن است پیش‌نویس تهیه شده توسط گروهی از حقوقدانان دستخوش تغییرات زیادی

قرار گرفت و اصلاحات متعددی در آن انجام شد، بنابراین آن متن قانون اساسی که به صورت لایحه تقدیم مجلس بررسی نهایی قانون اساسی شد با متن پیش نویس اولیه تفاوت زیادی داشت. پس نمی‌توان اصطلاح «پدران بنیانگذار» را به صورت مطلق برای حقوقدانانی که متن اولیه پیش نویس قانون اساسی را تهیه و تدوین کردند به کار برد. چرا که تغییرات صورت گرفته بعضاً اساسی و قابل توجه بود یا بخش‌هایی از متن اولیه تفاوت بنیادی داشت. (پور-سعید، ۱۳۸۵: ۴۲) نکته مهمتر این است که پیش نویس ارائه شده به مجلس بررسی نهایی قانون اساسی مشتمل بر ۱۵۱ اصل بود که پس از برگزاری ۶۷ جلسه در مجلس مذکور از مجموع این ۱۵۱ اصل به جز ۲۳ اصل، بقیه اصول (۱۲۸ اصل) با اصلاحات و تغییرات به تصویب رسید که همراه ۴۷ اصل مستقل دیگر که با ابتکار کمیسیون‌های مجلس و یا احیاناً متأثر از سایر طرح‌ها، بدون آنکه در لایحه پیشنهادی وجود داشته باشد مجموعاً با ۱۷۵ اصل به تصویب مجلس مذکور رسید. بنابراین نمایندگان مجلس خبرگان قانون اساسی یا همان مجلس بررسی نهایی قانون اساسی نیز در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نقش مهم و تعیین کننده‌ای داشته‌اند و تنها به بررسی اصول موجود در متن پیش‌نویس تقدیمی نپرداخته‌اند. بنابراین می‌توان اصطلاح «پدران بنیانگذار» را به همه افرادی که از مرحله اول تدوین پیش‌نویس قانون اساسی تا مرحله نهایی تدوین قانون اساسی در مجلس خبرگان قانون اساسی بیشترین نقش و تاثیر داشته‌اند اطلاق کرد. مخصوصاً افرادی که با تلاشها و تاثیر فراوان خود در تصویب اصول بسیار مهم و مترقی قانون اساسی نقش بسیار پر رنگی داشته‌اند. البته جای این سوال باقی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی بر چه اساسی تدوین شد و آیا همانند قانون اساسی مشروطه تنها ترجمه‌ای از قوانین اساسی کشورهای مترقی در این زمینه بود یا ابتکار و دانش این افراد نقش تعیین کننده‌ای در تدوین آن داشته است؟ در پاسخ باید گفت: این موضوع درست است که پیش‌نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر گرفته از قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه (قانون اساسی فعلی کشور فرانسه) است و با اینکه شکل و صورت قانون اساسی ما شبیه قوانین اساسی سایر کشورهاست اما از لحاظ محتوا، برخی از اصول آن، متمایز کننده این قانون اساسی از قوانین اساسی کشورهای دیگر است به طور مثال اصل ۵۶ قانون اساسی می‌گوید: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان، از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد

را از طرقي که در اصول بعدي قانون اساسي مي آيد، اعمال مي کند». در اين اصل قانونگذار، حاکميت الهي را با حاکميت مردمی و به تعبيري ديگر، مردم سالاری دینی ترکیب کرده است که یکی از ویژگی‌های مهم قانون اساسي کشور ما محسوب می‌شود. بر همین اساس برخی حقوقدانان، اصل ۵۶ را جوهره قانون اساسي می‌دانند. پر واضح است تجربه گرانبهای بسیاری از کشورهای پیشرفته و مترقي در زمینه حقوق اساسي و قانون اساسي می‌بایست مورد توجه کشورهای قرار گیرد که در ابتدای این مسیر سخت و دشوار قرار دارند. کشورهای نظیر آمریکا، فرانسه، انگلستان و ... از جمله کشورهای می‌باشند که سالهای متمادی در زمینه حقوق اساسي و قانون اساسي تجربه داشته و در این زمینه پیشرو می‌باشند. بنابراین برای جلوگیری از ایجاد مشکلات و بن‌بست‌ها می‌بایست از تجربیات آنها استفاده بهینه نمود البته تا جایی که این الگوبرداری صحیح به کپی برداری محض بدل نگردد. البته قانون اساسي جمهوری اسلامی ایران با تلاش و ممارست و ابتکار و دانش صاحب نظران حقوق اساسي و مسلط به مسائل حقوق عمومي و مبانی انقلاب اسلامی تنظیم گردید و در آن بیش از هر چیز به آرمان‌های اسلامی و اهداف انقلابی و ساختار فنی نظام جدید اهمیت داده شد. یکی از این افراد که نقش بسیار مهم و اساسي در شکل‌گیری تدوین قانون اساسي جمهوری اسلامی ایران داشته است آیت الله سید محمد حسینی بهشتی می‌باشد ایشان در مجلس بررسی نهایی قانون اساسي به عنوان نائب رئیس و وظیفه مدیریت جلسات را بر عهده داشت ولی با نظریه پردازی‌های مختلف در زمینه حقوق عمومي، حقوق اساسي و قانون اساسي در حین مبارزات منجر به وقوع انقلاب اسلامی و بعد از آن و به ویژه در مجلس خبرگان قانون اساسي نقش اساسي در تدوین اصول مهم به ویژه اصول مرتبط با ولایت فقیه، حقوق ملت، آزادی و ... که در ادامه به معرفی ایشان می‌پردازیم.

### بهشتی؛ پدر بنیانگذار ایران

#### ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله بهشتی در مدیریت جلسات

با مطالعه صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسي جمهوری اسلامی ایران می‌توان به مهمترین ویژگی‌های شخصیتی آیت‌الله بهشتی به لحاظ عملکردی و اداره مجلس پی برد که عبارتند از:

- اعتماد دو قشر روحانی و دانشگاهی در مجلس خبرگان قانون اساسي - انضباط در مدیریت



- ارتباط مناسب با دیگران - بهره‌وری در مدیریت جلسات و هدفدار بودن جلسات - مدیریت مشورتی همراه با همفکری دیگر اعضاء - صلاحیت در مدیریت و انجام درست کارها - تصمیم‌گیری‌های بجا - ایجاد فضای آرام برای دیگر اعضاء - روشن سازی در مطالب - مذاکره با دیگر اعضاء - اطلاع رسانی صحیح - دفاع از نقش خود و کارکرد صحیح مجلس - تأکید بر صلاحیت مجلس - فضای آزاد اعلام نظر به مخالفین.

اشاره‌ای کوتاه به نظریات وی درباره بعضی از مقوله‌ها این واقعیت را به خوبی آشکار می‌کند. وی در مباحثاتی پیرامون قانون اساسی و مشروح مذاکرات آن، در مورد نقش مردم در حکومت می‌گوید: «مردم در تمامی امور حکومت سهیم هستند». اما نکته مهمی که در اندیشه‌های بهشتی در رابطه با مردم و آرای عمومی به چشم می‌خورد، این است که ایشان، نقش آرای عمومی را پشتوانه قدرت، قانونیت، نفوذ و تأثیر حکومت دانسته و قائل به این است که حکومت باید بر آرای مردم متکی باشد و در جهت خواسته‌های مشروع آنها حرکت نماید. آراء عمومی نظر به اینکه پشتوانه اعتبار و استحکام قدرت یک فرد یا یک گروه اداره کننده است، روشی است که باید کاملاً به آن توجه شد، یعنی هیچ حکومتی در هیچ درجه‌ای نباید خود را بر مردم تحمیل کند و همچنین حکومتی که از حمایت مردم برخوردار نباشد، از همکاری آنها هم برخوردار نیست و اصولاً می‌تواند کاری انجام بدهد، ناچار می‌شود که به زور سرنیزه خودش را سرپا نگه دارد، در نتیجه کارایی کم و ظالم می‌شود. (حسینی بهشتی، ۱۳۷۸: ۱۹-۲۰) وی در مباحثی تحت عنوان آزادی، زورمداری و هرج و مرج، آزادی را اینگونه تشریح می‌کند: تسلط انسان بر ساختن خویش و ساختن محیط خویش. امتیاز انسان بر همه موجودات دیگر عالم طبیعت، این است که می‌تواند بر طبیعت مسلط باشد و شرایط طبیعی را بر وفق خواسته و نیاز خود دگرگون کند، یا در برابر هجوم عوامل نامساعد طبیعی، سد و مانع به وجود آورد. بهشتی، آزادی را شعار اساسی اسلام دانسته و قائل به این است که بزرگترین شعار اسلام، آزادی است. (لک زایی، ۱۳۸۲: ۱۸)

بهشتی در مورد ساختار حکومت در نظام جمهوری اسلامی بیان می‌دارد: قانون اساسی، متناسب با شرایط ایران و برای یک مقطع زمانی در خور ملاحظه به این صورت پیشنهاد شده است که عبارت است از: اول، رئیس جمهوری منتخب مستقیم مردم، یعنی در رابطه با امت. دوم، مجلس شورای ملی و شوراهای دیگر. سوم، دستگاه قضایی. در این قانون اساسی نقش امت در انتخاب دستگاه قضایی مستقیم نیست، بلکه غیر مستقیم است. انتخاب از امت و از

طریق امامت و رهبری است. از این سه اصل، یعنی رئیس‌جمهوری، مجلس و دستگاه قضایی، دولتی به وجود می‌آید، یعنی نخست وزیر و وزراء که این دولت منتخب غیرمستقیم مردم است. چون این دولت را باید بر طبق قانون اساسی، رئیس‌جمهوری و مجلس معین کنند. دولت از دو طریق به امت مربوط می‌شود: یکی از طریق رئیس‌جمهوری، دیگری از طریق مجلس شورای ملی. (حسینی بهشتی، ۱۳۷۸: ۴۴)

ایشان تحمیل در اسلام را رد می‌کنند و معتقد هستند که خداوند، انسانها را در پذیرش دین و راه زندگی‌شان آزاد گذاشته است. ایشان تفاوت عصر غیبت با عصر دوران معصوم را در این نکته می‌دانند که دیگر تعیینی در کار نیست، مردم باید با شناخت و آگاهی، امام خودشان را انتخاب کنند. "ولی امروز در عصر غیبت امام معصوم منصوب مخصوص، امامت دیگر تعیینی نیست. تحمیلی هم نیست. بلکه شناختنی و پذیرفتنی یا انتخابی است. بنابراین رابطه امت و امامت بر پایه شناختی آگاهانه باشد و در پذیرش تعیین و تحمیل وجود نداشته باشد." (حسینی بهشتی، ۱۳۷۸: ۴۰) مجموعه این ملاحظات بیانگر نقش برجسته فکری و مدیریتی بهشتی در تدوین و بررسی قانون اساسی سال ۱۳۵۸ است. با بررسی و مطالعه مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی می‌توان بیشتر به اختلاف نظرها و دیدگاه‌های متفاوت نمایندگان بررسی کننده بالاحص نسبت به برخی اصول مهم و تعیین کننده قانون اساسی پی برد. در این میان سید محمد حسینی بهشتی در تثبیت و تدوین اصول قانون اساسی ۱۳۵۸ بالاحص اصول مهم آن نقش بسیار تعیین کننده و کلیدی داشت. به گونه‌ای که گاه‌ا از وی به عنوان نظریه پرداز ولایت فقیه نامبرده می‌شود.

### مبانی نظری قانون اساسی در اندیشه آیت الله بهشتی

آیت الله بهشتی درباره ضرورت تدوین قانون اساسی می‌گوید: «قانون اساسی در حقیقت باید بیانیه اصل‌بندی شده و تنظیم شده انقلاب اسلامی شما مردم عزیز باشد». (حسینی بهشتی، ۱۳۷۸: ۴۱) ایشان در جای دیگر، جایگاه قانون اساسی در یک نظام را به دستگاه گردش خون تعبیر می‌کند و می‌گوید: این قانون اساسی درست مثل دستگاه گردش خون است اگر آن را سالم نگه داشتید، یک سلول‌ها را درست تغذیه می‌کند... دستگاه گردش خون در بدن انسان و جاندارانی که این دستگاه را دارند، کار خاصی انجام می‌دهد و آن، این است که

نیازهای مجموعه بدن را می‌گیرد و با خود حمل می‌کند و به هر جا خونی را که به آن نیاز دارند، می‌رساند». (حسینی بهشتی، ۱۳۷۸: ۲۳)

### امور زیربنایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه آیت‌الله دکتر بهشتی

#### زیربنای اول: قانون اساسی، متکی به رأی مردم و بر مبنای اسلام

انقلاب اسلامی ایران، به وجود آورنده یک نظام اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جدید است و مانند هر نظام نوساخته‌ای، دارای مبانی نظری خاصی است. نظام جدید ایران، بر مبنای تعالیم اسلام بنیان نهاده شده است، ولی اینکه اسلام به‌عنوان مبنای نظام ایران است، برآمده از مسیر حاکمان یا رهبران انقلاب نیست، بلکه خود مردم با انتخاب و گزینش و اختیار خود، آن را از میان نظام‌های دیگر، مانند نظام سوسیالیستی یا لیبرالیستی برگزیده‌اند. ویژگی دیگر چنین نظامی، آن است که برآمده از مردم است و برای خدمت به مردم و نهادینه ساختن استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی به وجود آمده است. بنابراین، قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به عنوان نبض یک نظام باید بر پایه اسلام، رأی مردم، خدمت به مردم و تحقق شعارهایی که مردم به خاطر آنها، دست از مال و جان خود کشیدند، تدوین شود. این، نخستین زیربنایی است که شهید بهشتی در بیانات خود درباره قانون اساسی به آن اشاره می‌کند: نظام جدید اجتماعی ایران، نظامی اسلامی است، ولی نظامی است که مردم با انتخاب و اختیار و گزینش خودشان آن را انتخاب کردند، نظامی است در راه خدمت به مردم یا به تعبیر دیگر، نظامی است مردمی بر پایه اسلام. (حسینی بهشتی، ۱۳۷۸: ۴۳)

#### زیربنای دوم: قانون اساسی، سند چشم‌انداز نظام اسلامی

بهشتی با نگاهی آینده‌نگر، در تبیین آرمان‌های انقلاب می‌کوشد و به دنبال آن است تا قانون اساسی را به عنوان سند چشم‌انداز آینده نظام تعریف کند؛ سندی که بتواند نظام ایران را در مسیر رشد و تکامل فردی و اجتماعی انسان هدایت کند. او معتقد است قانون اساسی باید تصویری همه جانبه از محیط نظام جدید ایران ارائه دهد تا نسل‌های آینده بتوانند بر مبنای این سند، جامعه خود را بالنده سازند، به‌گونه‌ای که آرمان‌های انقلاب از میان نرود. بهشتی بر این باور است که اگر بیندازید با پیروزی انقلاب، دیگر وظایف تمام می‌شود، اشتباه است؛ زیرا پیروزی انقلاب در حقیقت آغاز تلاش‌ها در مسیر ساختن نظام فردی، اجتماعی و آرمائی اسلام است و قانون اساسی به عنوان سند تنظیم کننده یک نظام در ابعاد مختلف باید در بخشی از

متن خود به دنبال تصویر محیط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی نظام باشد. ایشان معتقد است: «نظام جدید ... نظامی باید باشد که محیط اجتماعی آینده را برای تکامل انسان و رشد انسانی او و حرکتش الی الله آماده سازد، آن هم با تدبیر و همت و تلاش خود این انسان». (حسینی بهشتی، ۱۳۷۸: ۴۶)

ایشان سه ویژگی اصلی را برای این محیط برمی‌شمرد و توجه به کرامت انسان و روح الهی او، اقدام به حفظ استقلال و آزادی او و جلوگیری از استثمار انسان به دست سرمایه‌داری داخلی و خارجی را به عنوان رئوس شرایط این محیط بیان می‌دارد:

ویژگی‌های این محیط: اول: توجه خاص نظام حاکم بر این محیط است به کرامت انسان و روح الهی او و جلوگیری از سقوط انسان در نهیلیسم و پوچ‌نگاری و درون‌پوکی و ماتریالیسم و ماده‌گرایی و ماده‌پرستی و دنیاپرستی. (پورسعید، ۱۳۸۵: ۳۱)

دوم: اهتمام این نظام است به استقلال و آزادی‌های فردی و اجتماعی انسان تا آخرین سرحد ممکن و جلوگیری از اسارت انسان در چنگال استبداد داخلی و فردی و گروهی و طبقه‌ای یا استعمار خارجی.

سوم: اهتمام این نظام است به آزادی و استقلال انسان و جلوگیری از استثمار انسان به دست سرمایه‌داری داخلی یا خارجی و کاپیتالیسم فردی، طبقه‌ای یا دولتی و مبارزه با هرگونه تبعیض طبقاتی و گروهی و ناسیونالیستی». (حسینی بهشتی، ۱۳۷۸: ۴۷)

### زیربنای سوم: اداره نظام بر مبنای رأی و نظر مردم

در بیان زیربنای سوم، بهشتی در پی پاسخ به این پرسش است که برای تحقق چنین محیطی چه باید کرد و شرایط عملی آن چیست؟ ایشان به این پرسش، ذیل سه بند پاسخ می‌دهد و بیان می‌کند که این محیط زمانی تحقق می‌یابد که مردمی که انقلاب کرده‌اند، خودشان نظام را مدیریت کنند، در تصمیم‌گیری‌ها دخالت داشته باشند، بر شرایط کاری مدیران و بدنه اجرایی نظام نظارت داشته باشند و خود را از بدنه مدیریتی نظام منقطع ندانند. قانون اساسی نیز باید به دنبال تعیین سازوکاری باشد که به تحقق چنین شرایطی بیانجامد. البته منظور شهید بهشتی از دخالت مردم در امور کشور، هرج و مرج طلبی و بی‌نظمی نیست، بلکه ایشان بر این باور است که کار باید تشکیلاتی و منظم باشد و نیروهای مدیریتی این نظام باید منتخب از مردم، مورد اعتماد آنان و رنج کشیده باشند، به گونه‌ای که مفاهیم و مبانی انقلاب را خوب

درک کرده باشد تا بتوانند به نمایندگی از مردم، مدیریت‌ها و مسئولیت‌ها را بر عهده بگیرند. بهشتی زیربنای سوم را این‌گونه مطرح می‌کند:

اعتراف به این مطلب که شرط عملی به وجود آمدن چنین محیط اجتماعی این است:

۱. دخالت مردم در تعیین سرنوشت و اداره امورشان تا آخرین حد ممکن باید گسترش یابد؛ یعنی نظام باید تا آنجا که می‌شود، به دست خود مردم اداره شود.

۲. در جامعه باید مدیریتی به وجود بیاید که در عین نظام داشتن، همبستگی داشتن، سلسله مراتب داشتن، انضباط داشتن، در آن، سانترالیسم و مرکزیت به حداقل برسد.

۳. اداره امور باید در دست مدیریتی قرار بگیرد که انقلاب اسلامی این ملت را خوب درک کرده باشد، مورد پذیرش و اعتماد مردم باشد، در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها به شرایط زمان آگاه باشد و در مسائل اجرایی، توانایی و قاطعیت انقلابی داشته باشد... اینها زیربنای قانون اساسی ماست». (حسینی بهشتی، ۱۳۷۸: ۴۴)

پس از تصویب نهایی قانون اساسی توسط مردم ایران، قانون اساسی در اجرا با چالش‌های جدی از جمله عدم تمرکز در مدیریت قوه مجریه روبرو شد و اصول متعدد آن مورد بحث و جدل و اظهارنظر نظریه پردازان مختلف حقوقی و سیاسی قرار گرفته است. بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ شاید در ابتدا راهگشا به نظر می‌رسید لکن اختلاف نظرها و تفاسیر متعددی که از اصول قانون اساسی طی ۲۸ سال گذشته همچنین قبل از آن صورت گرفته است نشان می‌دهد اگر چه سالهای زیادی سپری شده اما بحث‌ها و مجادلات و مذاکرات مجلس یا خبرگان قانون اساسی یا همان مجلس مؤسسان سال ۵۸ همچنان ادامه دارد. این بحثها و مجادلات بعضاً در موارد قابل توجهی محل مناقشات مقامات ارشد نظام جمهوری اسلامی بالاخص در بین سران سه قوه بوده است که منجر به تفاسیر متعدد شورای نگهبان شده است به گونه‌ای که تاکنون ۷۱ اصل از ۱۷۷ اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلف و اغلب اختلافات و مجادلات موجود مورد تفسیر شورای نگهبان قرار گرفته و مهم اینجاست که شورای نگهبان در دوره‌های زمانی مختلف از بعضی از اصول مهم آن مانند اصل ۱۱۳ چندین تفسیر ارائه داده و مهمتر اینکه بعضاً این تفاسیر کاملاً در تضاد با یکدیگر می‌باشد.

### نتیجه‌گیری

همانطور که گفته شد اصطلاح "پدران بنیان‌گذار" برای توصیف بنیانگذاران است که گروهی از

از رهبران سیاسی آمریکا بودند و در تدوین و اقتباس چارچوب قانون اساسی آمریکا نقش مهمی ایفا کردند. بنابراین هر یک از اصول مهم قانون اساسی آمریکا در آرمان‌ها و اهداف پدران بنیان‌گذار ریشه دارد. مهم این است که بدانیم پدران بنیان‌گذار نقش مهم و اساسی در تدوین قانون اساسی ایالات متحده داشته‌اند و در گنجاندن هر موضوعی در قانون اساسی نیت و مقصود مشخصی مدنظرشان بوده است بنابراین در تفسیر قانون اساسی این اهداف می‌بایست در نظر قرار گیرد. آیت‌الله بهشتی یکی از افرادی است که نقش بسیار مهم و اساسی در شکل‌گیری و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران داشته است. ایشان در "مجلس بررسی نهایی قانون اساسی" به عنوان نائب رئیس جلسات را به خوبی مدیریت نموده و با نظریه‌پردازی‌های مختلف در زمینه حقوق عمومی، حقوق اساسی و قانون اساسی در حین مبارزات منجر به وقوع انقلاب اسلامی و بعد از آن به ویژه در مجلس خبرگان قانون اساسی نقش اساسی در تدوین اصول مهم به ویژه اصول مرتبط با ولایت فقیه، حقوق ملت، حکومت، آزادی و ... داشت. آیت‌الله بهشتی امور زیربنایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را به سه دسته:

زیربنای اول: قانون اساسی، متکی به رأی مردم و بر مبنای اسلام

زیربنای دوم: قانون اساسی، سند چشم‌انداز نظام اسلامی

زیربنای سوم: اداره نظام بر مبنای رؤی و نظر مردم تقسیم‌بندی می‌کند.

آیت‌الله بهشتی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی در خصوص بسیاری از اصول مهم و چالش‌های پیش روی تصویب آنها اظهار نظر نموده و جلسات را مدیریت نموده و موجبات شکل‌گیری قانون اساسی فعلی را فراهم نموده است. اختلاف نظرها و تفاسیر متعددی که از اصول قانون اساسی طی ۲۸ سال گذشته همچنین قبل از آن صورت گرفته است نشان می‌دهد اگر چه سالهای زیادی سپری شده اما بحث‌ها و مجادلات و مذاکرات مجلس یا خبرگان قانون اساسی یا همان مجلس مؤسسان سال ۵۸ همچنان ادامه دارد. این بحث‌ها و مجادلات بعضاً در موارد قابل توجهی محل مناقشات مقامات ارشد نظام جمهوری اسلامی بالخصوص در بین سران سه قوه بوده است که منجر به تفاسیر متعدد شورای نگهبان شده است به گونه‌ای که تاکنون ۷۱ اصل از ۱۷۷ اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلف و اغلب اختلافات و مجادلات موجود مورد تفسیر شورای نگهبان قرار گرفته و مهم اینجاست که شورای نگهبان در دوره‌های زمانی مختلف از بعضی از اصول مهم آن مانند اصل ۱۱۳ چندین تفسیر ارائه داده و مهمتر اینکه بعضاً این تفاسیر کاملاً در تضاد با یکدیگر می‌باشد.

با توجه به آنچه از فحوای این اختلاف نظرها بر می‌آید می‌توان دریافت منشأ و ریشه اصلی این اختلافات عدم توجه به نیت و هدف اصلی اصول قانون اساسی می‌باشد و اگر این موضوع روشن بوده و از ابهامات به دور باشد بسیاری از این اختلافات موضوعیت پیدا نمی‌کرد و نمی‌کند. لذا بسیار مهم و اساسی است که نظریات و تفاسیر مورد نظر نظریه پردازان و معماران اصلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و کنکاش و واکاوی دوباره قرار گرفته تا نیت، هدف و مقصود اصلی اصول مختلف قانون اساسی را دریافت که این مهم نتیجتاً پیامدهای مثبتی نظیر کاهش اختلافات را به دنبال داشته و در نهایت ما را به اهداف و آرمان‌های اصلی قانون اساسی نزدیکتر می‌کند و در مقام اجرا از ابهامات فاصله گرفته و آنچه به عنوان نیت و هدف اصلی اصول مترقی قانون اساسی است مورد عمل قرار خواهد گرفت. یکی از شخصیت‌هایی که تأثیر مستقیم و بسزایی در تدوین و تصویب قانون اساسی سال ۵۸ داشت آیت الله سید محمد حسینی بهشتی است. با توجه به دیدگاه‌های ایشان که اهم آن ذکر شد و توجه به این نکته که ایشان در خصوص ۱۳۴ اصل از ۱۷۷ اصل قانون اساسی نظریات خود را کوتاه و مفصل، موافق و مخالف بیان کرده‌اند مطالعه دیدگاه‌های وی بسیاری از ابهامات موجود را رفع می‌کند.

## منابع فارسی

### کتب

- اردشیری لاجیمی، حسن (۱۳۹۰)، *گزیده‌ای از دیدگاه‌های شهید بهشتی*، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- اکبرزاده، فریدون (۱۳۸۰)، *نقش رهبری در نهضت مشروطه*، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- بوشهری، جعفر (۱۳۷۶)، *مسائل حقوق اساسی*، نشر دادگستر
- حسینی بهشتی، سید محمد (۱۳۸۱)، *آزادی، هرج و مرج، زورمداری*، نشر بقعه
- ..... (۱۳۸۸)، *حزب جمهوری اسلامی مواضع تفصیلی*، نشر بقعه
- ..... (۱۳۷۸)، *مبانی نظری قانون اساسی*، نشر بقعه
- ..... (۱۳۸۳)، *ولایت، رهبری، روحانیت*، نشر بقعه
- سروش محلاتی، محمد، *بازگشت از بهشتی بازگشت به بهشتی*، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، بی تا
- سفری، محمد علی (۱۳۷۱)، *مشروطه‌سازان*، انتشارات علم
- شعبانی، قاسم (۱۳۸۸)، *حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات اطلاعات
- صفایی، ابراهیم (۱۳۸۱)، *انقلاب مشروطیت به روایت اسناد*، انتشارات ایران یاران
- ضیایی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۸۶)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، انتشارات گنج دانش
- طباطبائی مؤتمنی، محمد (۱۳۸۸)، *حقوق اساسی*، نشر میزان
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۷)، *کلیات حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات مجد
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۷۵)، *گفتارهایی در حقوق عمومی*، نشر دادگستر
- ..... (۱۳۸۲)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، نشر میزان
- ..... (۱۳۷۳)، *بایسته‌های حقوق اساسی*، نشر یلدا
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶)، *مقدمه علم حقوق*، شرکت سهامی انتشار
- کسروی، احمد (۱۳۹۲)، *تاریخ مشروطه ایران*، انتشارات نگاه
- گرجی ازندریانی، علی اکبر (۱۳۸۸)، *در تکاپوی حقوق اساسی*، انتشارات جنگل



- مخبر السلطنه هدایت، مهدی(۱۳۸۹)، *خاطرات و خطرات*، انتشارات زوار
- مدنی، سید جلال(۱۳۷۵)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، نشر همراه
- معین فرد، محمد رضا(۱۳۸۵)، *سیر تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- موسی زاده، رضا(۱۳۸۶)، *حقوق اداری*، نشر میزان
- موسی نجفی، فقیه حقانی موسی(۱۳۸۱)، *تاریخ تحولات سیاسی ایران*، انتشارات مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- هاشمی، سید محمد(۱۳۸۴)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، نشر میزان، جلد اول
- ..... (۱۳۸۶)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، نشر میزان، جلد دوم

#### مقالات

- باقری، محمود(۱۳۸۸)، *مبانی حقوق عمومی حقوق رقابت (با نگاهی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)*، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۹
- پورسعید، فرزاد(۱۳۸۵)، *هویت مدنی در قانون اساسی مشروطه و جمهوری اسلامی ایران*، مجله پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۲۶
- تقی زاده، جواد(۱۳۸۷)، *تصدی کفالت ریاست جمهوری در حقوق ایران با نگاهی به حقوق فرانسه*، فصلنامه حقوقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، شماره ۲۱
- خلیلی، محسن(۱۳۸۷)، *بازنگری قانون اساسی ایران و تحول کیفی اقتدار سیاسی*، مجله گروه علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۱۶
- رهامی، محسن(۱۳۸۷)، *نقش قانون اساسی در حل چالش‌های ملی*، فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۶
- زارعی، بهادر(۱۳۸۶)، *قلمرو جغرافیایی کشور و قانون اساسی ایران*، مجله پژوهش‌های جغرافیایی دانشگاه تهران، شماره ۳۹
- عباسی، بیژن(۱۳۸۳)، *شیوه‌های تدوین و تصویب قانون اساسی*، نشریه حقوق اساسی، شماره ۲
- هاشمی، سید محمد(۱۳۶۹)، *بررسی تطبیقی و موضوعی بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۸